



گزارش

تنش در روابط قطر و عربستان

زمینه ها، دلایل و پیامدها

شماره ۱۲۹

شهریور ماه ۹۶

رصدخانه روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هر گونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: iwpcf2008@gmail.com — آدرس تلگرامی: @iw_peace

گزارش موردی:

تنش در روابط قطر و عربستان

زمینه ها، دلایل و پیامدها



مقدمه

اختلافات عربستان با قطر عمدتاً به دلیل زیاده خواهی محمد بن سلمان جوان است که دوست دارد نه تنها در عربستان بلکه در میان کشورهای عربی نقش رهبری را ایفا کند و قطر نیز بارهبر جوانش نمی خواهد که کامل تحت رهبری عربستان باشد. بنابراین بحران اخیر ناشی از زیاده خواهی عربستان و مقاومت قطر است. همیشه رفتارهای فعلی دولت ها در قبال یکدیگر، ریشه در روابط گذشته آنها نیز دارد. ولی کدورت های گذشته نمی تواند به تنهایی اقدامات شوک آور فعلی را تبیین کند. هرچند باید بر این نکته تاکید نمود که اختلافات میان عربستان و قطر ریشه تاریخی دارد. طی سالهای اخیر و به شکل جدی پس از تحولات ۲۰۱۱ مواضع دو طرف نسبت به روند تحولات منطقه ای به افزایش شکاف میان آنها دامن زده است. اگر چه قطر در سال ۱۹۷۱ به استقلال خود دست یافت اما ریشه اختلافات دو کشور به اوایل قرن بیستم باز میگردد. در سال ۱۹۱۳ و به دنبال خروج عثمانی ها از قطر، عبدالعزیز بن سعود تصمیم گرفت این کشور را اشغال و به پادشاهی آل سعود ملحق کند. این تصمیم عبدالعزیز اگرچه با دخالت بریتانیا و عقد توافقنامه "دارین" عقیم ماند، اما اختلافات و درگیری های مرزی مجدداً در سال ۱۹۹۲ و در قالب حادثه «الخفوس» شعله ور شد. این درگیری های مرزی به کشته، زخمی و اسارت چندین نظامی قطری انجامید. قطر بر این باور است که دستیابی عربستان بر منطقه الخفوس به معنای سیطره این کشور بر تمام خشکی های قطر است. منطقه الخفوس در مسیر منتهی به پایگاه دریایی عربستان در "خور العدید" در جنوب قطر قرار دارد. کارشناسان برآورد کرده اند که این منطقه ۲۵ کیلومتری در امتداد خط ساحلی خلیج فارس دارای حدود ۱۵ میلیارد بشکه ذخایر قطعی نفت و ۶۵۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی است. به علاوه اینکه این منطقه به عنوان کانال ارتباط تجاری قطر و امارات بزرگترین شریک تجاری این کشور در خلیج فارس به شمار می آید. اگرچه قطر تا زمان شیخ خلیفه آل ثانی روابط همگرایانه ای را با عربستان

دنبال کرده است. اما کنار زدن شیخ خلیفه و اعتراض عربستان نسبت به نحوه روی کار آمدن فرزند وی شیخ حمد در سال ۱۹۹۵ روابط دو طرف را متشنج کرد. در همین راستا عربستان تلاش کرد با مطرح کردن موضوع اختلافات مرزی و از طریق فشار بر پادشاه جدید وی را به کناره گیری از قدرت و اعاده پدر متقاعد سازد. اما دخالت آمریکایی ها عربستان را به پذیرش وضع موجود مجبور کرد. در مجموع پادشاه جدید قطر تلاش کرده است سیاست مستقل از عربستان را دنبال کند. این در حالی است که این کشور تا قبل از این حائز نقش با اهمیت در مناسبات منطقه ای نبوده است.

همچنین این دو کشور از گذشته اختلافات ارضی با یکدیگر داشتند. ۲۳ مایل از جنوب اراضی قطر مورد اختلاف این کشور با عربستان سعودی است و در سال ۱۹۹۲ نیز به درگیری نظامی میان دو کشور و تعلیق قرارداد ۱۹۶۵ از سوی قطر منجر شد که دامنه این اختلاف ارضی به نواری از خلیج سلوا در جنوب غربی قطر تا خورالعدید در جنوب شرقی این کشور نیز تعمیم یافته است. اما ریشه اختلاف جدی میان دو کشور به سال ۱۹۹۵ بازمی گردد؛ زمانی که «حمد بن خلیفه»، امیر کنونی در زمان پدرش شیخ «خلیفه بن حمد» کودتا کرد تا مرحله جدیدی را در قطر آغاز کند که بیانگر خروج قطر از زیر نظر عربستان سعودی و تبدیل آن به یکی از کشورهای مستقل خلیج فارس بود. اما شکل جدید اختلافات میان این دو کشور از زمان خیزش های مردمی و انقلابی در منطقه آشکارا مشخص و این دو کشور وارد دو دسته بندی پنهان اما رقابت آمیز شدند؛ رقابتی که بیش از هر چیز برای تسلط نظم منطقه ای مورد نظر خود در جریان بوده و هست.

تحولات و دگرگونی های سیاسی مصر، تونس و لیبی پس از انقلاب های عربی و تغییر رژیم های استبدادی، موج تازه ای از به قدرت رسیدن اسلام گرایان نظیر اخوان المسلمین را به دنبال داشت. این تحول مهم سبب شکل گیری نظم سه قطبی منطقه ای در خاورمیانه بر مبنای نظم اسلام گرایی انقلابی (ایران)، نظم اخوانی (قطر و ترکیه) و نظم سلفی (عربستان و همپیمانانش) شد، اما مشکلات داخلی و کارشکنی های خارجی که اخوان المسلمین را از عرصه سیاسی قدرت در مصر خارج کرد، یکی از پایه های مهم این نظم سه قطبی در خاورمیانه را متزلزل کرد. مسلماً وقوع این رخداد مهم، نه تنها پیامدهایی را در بُعد داخلی برای مصر به همراه خواهد داشت، بلکه با تأثیر بر روابط بازیگران منطقه ای، محیط امنیتی خاورمیانه و شمال آفریقا را نیز تحت تأثیر گذار گذاشت. در همین راستا، قطر و عربستان برای به قدرت رسیدن جریان اسلام گرایی مورد نظر خود ثروت زیادی را خرج می کنند و اختلاف نظر زیادی میان آن ها در این زمینه وجود دارد. در حالی که قطر به پایگاهی برای یکی از بزرگ ترین اپوزیسیون های عربستان در خلیج فارس یعنی جماعت اخوان المسلمین تبدیل شده است، بر کسی پوشیده نیست که عربستان هوادار گروه های سلفی است؛ علت این مسأله هم جایگاه نهاد وهابیت در دولت این کشور از زمان پیدایش آن است. نهاد وهابیت از زمان شکل گیری و آغاز برنامه ای موسوم به (نشر الدعوه) در جهان با نظارت نهاد وهابیت و هزینه دولت اداره می شود و بخش وسیعی از جنبش های سلفی در جهان عرب و اسلام نیز از آن سود می برند.

ترکیه در این بحران از قطر حمایت کرده است. قطر و ترکیه در بسیاری از مسائل منطقه ای از جمله حمایت از گروه های اخوانی منافع مشترکی دارند. موضع ترکیه از این جهت می تواند مهم باشد که این کشور از سال ۲۰۱۶ تاکنون یک پایگاه نظامی با تقریباً ۶۰۰ نیرو در قطر دارد. البته به رغم پیوندهای نزدیک میان دو حه و آنکارا ابعد است که ترکیه بخواهد خود را به عربستان وارد چالش کند و به همین جهت، نباید شاهد حمایت قاطع این کشور از قطر باشیم. در نهایت برخی تحلیلگران نیز بر این باور بودند که منازعات شیوخ عرب به ویژه همزمانی آن با سفر ترامپ به منطقه در چهارچوب تلاش رئیس جمهوری آمریکا برای بستن پرونده جماعت اخوان المسلمین و قطر به عنوان مهمترین حامی آن در جهان عرب که وعده آن را طی رقابت های انتخاباتی اش داده بود، است.

شروط عربستان و متحدانش برای پایان دادن به تحریم قطر



چهار کشور عربی که قطر را به اتهام حمایت از تروریسم تحریم کرده اند، فهرستی شامل کاهش روابط با ایران و تعطیلی شبکه تلویزیونی الجزیره را برای مقامات قطر ارسال کرده اند. این فهرست که توسط عربستان سعودی، امارات عربی متحده، مصر و بحرین تنظیم شده است همچنین شامل درخواست تعطیلی یک پایگاه هوایی ترکیه در قطر و تحویل

همه افرادی است که تحت عنوان تروریست معرفی می شوند. این کشورها به دولت قطر ده روز فرصت داده اند تا این خواسته ها را برآورده کند. این فهرست را کویت که در جریان مناقشه اخیر، نقش میانجی را ایفا می کند، تسلیم دولت قطر کرده است. از جمله درخواست های چهار کشور عرب از قطر عبارتند از:

- قطع همه روابط با سازمان اخوان المسلمین که توسط دیگر دولت های عرب نیز ممنوع شده است
- توقف سیاست اعطای تابعیت به شهروندان چهار کشور در جهت دخالت در امور داخلی آن کشورها
- تحویل همه اشخاص حقیقی که توسط چهار کشور متهم به تروریسم هستند
- توقف حمایت مالی از افراط گرایی که توسط آمریکا به عنوان گروه های تروریستی معرفی شده اند
- ارائه اطلاعات دقیق مربوط به حمایت مالی از شخصیت های سیاسی اپوزیسیون در عربستان سعودی و دیگر کشورها
- همسویی با شورای همکاری خلیج فارس در زمینه های سیاسی، اقتصادی و دیگر زمینه ها
- توقف حمایت مالی از شبکه های الجزیره، چشم خاورمیانه و شبکه عربی ۲۱
- پرداخت مبالغ نامشخصی غرامت

از دیگر خواسته های کشورهای یاد شده تعطیلی فوری پایگاه نظامی ترکیه در قطر و قطع هرگونه همکاری نظامی آنکارا و دوحه در داخل خاک قطر، کاهش روابط دیپلماتیک دوحه با تهران، قطع روابط این کشور با اخوان المسلمین، حزب الله لبنان، با گروه های تروریستی القاعده و داعش بیان شده، به شمار می رود. عربستان، امارات، بحرین و مصر پس از متهم کردن دوحه به حمایت از تروریسم و افراط گرایی، روابط دیپلماتیک خود را با این کشور قطع کردند و سه کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس، مرزهای زمینی و دریایی و هوایی خود را به روی این کشور بستند.

البته چهار کشور تحریم کننده قطر اخیراً شش اصل را جایگزین شروط بالا کردند. این چهار کشور بر لزوم پابندی این کشور بر شش اصل مورد توافق در نشست روز پنجم جولای در قاهره تاکید می ورزند. این اصول شش گانه شامل مواردی نظیر پابندی به مبارزه با تروریسم و افراط گرایی، جلوگیری از تأمین مالی و ایجاد فضای امن برای این گروهها و تعلیق همه اقدامات تحریک آمیز و ایراد سخنانی هایی که با تحریک به نفرت پراکنی و خشونت همراه باشد، می شود.

در مقابل قطر هرگونه حمایت از تروریسم را تکذیب می کند و وزیر خارجه این کشور ضمن استقبال از گفتگو درباره ادعاهای مطرح شده از سوی عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب منطقه، گفته است که شرط آغاز گفتگو در مورد درخواست ها، لغو تحریم ها است. در بیانیه دستگاه دیپلماسی قطر آمده است: ما مجدداً درخواست کشورهای تحریم کننده دوحه را بررسی و پاسخ مناسب به آن را آماده می کنیم و در اختیار کشور کویت قرار خواهیم داد. در ادامه این بیانیه آمده است: کشور قطر از تلاش های کویت برای حل بحران به وجود آمده (در میان کشورهای عربی شورای همکاری خلیج فارس) قدردانی می کند. همچنین در پاسخ به خواسته عربستان دولت قطر مواردی را به شرح زیر مطرح کرده است:

- درخواست کاهش سطح روابط دیپلماتیک قطر با ایران در صورت التزام همه کشورهای حاشیه خلیج فارس و اخراج همه ایرانی‌ها از این کشورها عملی خواهد شد.
- قطع روابط قطر با ایران از جمله در بخش اقتصادی به شرط اقدام متقابل کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به ویژه امارات عملی خواهد شد.
- تعطیلی پایگاه نظامی ترکیه در قطر به شرط اقدام متقابل همه کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در بستن پایگاه‌های خارجی در کشورهای خود عملی می‌شود.
- قطر هر گونه ارتباط خود را گروه‌های تروریستی که از سوی سازمان ملل تعیین شده تکذیب و البته تأکید می‌کند، اخوان المسلمین جایی در این فهرست سازمان ملل ندارد.
- قطر اتهامات مطرح در زمینه حمایت مالی این کشور از تروریسم را بدون ارائه دلایل و مدارک روشن رد می‌کند. ما فقط لیست گروه‌های تروریستی را که مورد تأیید سازمان ملل است، می‌پذیریم.
- قطر تحویل کسانی را که «پناهنده سیاسی و شخصیت‌های اهل سنت تحت ظلم مقیم در اراضی خود» معرفی نموده، رد می‌کند.
- قطر تعطیلی شبکه‌های تلویزیون و رسانه‌ای رسمی و غیر رسمی خود را رد می‌کند؛ اما در صورت تعطیلی العربیه، اسکای نیوز، الحدث و شبکه‌های مصری، اقدام متقابل خواهد کرد.
- قطر تأکید می‌کند، در امور داخلی هیچ یک از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس دخالت نمی‌کند؛ بر خلاف امارات که در امور قطر و کویت دخالت و علیه آنها اقدام تحریک آمیز می‌کند. همچنین در امور عمان دخالت اطلاعاتی کرده و در تلاش برای انجام کودتا در این کشور است.
- قطر ارتباط خود با برخی مخالفان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و یا حمایت از آنها را رد کرده، ولی ارائه تابعیت قطری به کسانی که تمایل پذیرش آن را دارند، مسأله‌ای حاکمیتی می‌داند.
- قطر درخواست‌ها در زمینه پرداخت غرامت به کشورهای تحریم‌کننده را رد می‌کند و خواستار دریافت غرامت از بابت «اقدامات احمقانه‌ای» است که در حق این کشور طی روزهای اخیر اعمال شده است.

اقدامات احتمالی عربستان و متحدانش علیه قطر



از اقدامات احتمالی عربستان و متحدانش علیه قطر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- اخراج قطر از ائتلاف‌های تحت رهبری عربستان سعودی همچون شورای همکاری خلیج فارس، سپر مشترک جزیره، سامانه دفاع موشکی خلیج فارس و ائتلاف نظامی اسلامی مبارزه با تروریسم است. ولی این را باید در نظر گرفت، اگر قطر از این ائتلاف‌ها خارج شود بخشی از اقدامات مشترک سیاسی، امنیتی و نظامی طرفین مختل می‌شود و این امر ممکن است به فروپاشی این ائتلاف‌ها ختم شود به همین دلیل سعودی‌ها به‌عنوان رهبر این ائتلاف‌ها با این موضوع با احتیاط زیادی برخورد می‌کنند.
- همسویی بیشتر ایالات متحده آمریکا با عربستان سعودی و متحدانش و فشار این کشور برای تسلیم شدن قطر می‌باشد. اگر سعودی‌ها و اماراتی‌ها موفق شوند حمایت بیشتر ایالات متحده آمریکا را در این موضوع کسب کنند، این کشور از ابزارهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن قطر برخوردار است. برای مثال می‌تواند با عناوینی همچون حمایت مالی از تروریسم، اموال و سرمایه‌گذاری‌های قطر را در اقصی نقاط جهان مورد تهدید قرار دهد و این امر برای کشوری در ابعاد قطر چاره‌ای جز تسلیم نمی‌گذارد. این احتمال ضمن تصمیمات آتی ایالات متحده آمریکا و ایجاد اجماع

جهانی؛ بستگی زیادی به قدرت لابی‌های سعودی و اماراتی در مقابل قدرت لابی‌های قطری دارد، زیرا طرفین با خرج کردن پول‌های فراوان از لابی‌های پر قدرتی در این کشور برخوردارند.

■ درگیری نظامی این کشورها با قطر است. این درگیری می‌تواند محدود به وارد کردن ضرباتی به مراکز مورد مناقشه همچون دفاتر شبکه ماهواره الجزیره و یا درگیری گسترده‌تر برای تغییر امیر قطر باشد. برخی از لایه‌های سیاسی و امنیتی عربستان سعودی و امارات متحده عربی این موضوع را مطرح می‌کنند که به نظر می‌رسد که با توجه واقعیت‌ها سیاسی و امنیتی منطقه خلیج فارس، اجماع شکننده بر موضوع درگیری نظامی و همچنین مخالفت احتمالی کشورهای مصرف‌کننده نفت و گاز برای جلوگیری از ایجاد بحران‌های نفتی جدید، از احتمال کمی برخوردار باشد.

■ تغییر امیر این کشور به وسیله کودتا و یا ترور شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر این کشور است. به دلیل وجود سابقه تاریخی چنین اقداماتی در قطر، از ابتدای بحران همواره موضوع کودتا مطرح بوده است، زیرا در خاندان آل ثانی، افراد زیادی همچون شیخ عبدالعزیز بن خلیفه آل ثانی (عموی شیخ تمیم مقیم در فرانسه و دارای روابط گسترده با عربستان سعودی) و شیخ سعود بن ناصر آل ثانی (معارض مشهور قطری) هستند که خود را مستحق حکومت بر این کشور ثروتمند حوزه خلیج فارس می‌دانند و از حمایت عربستان سعودی و امارات متحده عربی نیز برخوردارند. این اقدام اگرچه مطلوب عربستان سعودی و امارات متحده عربی است ولی هرچه بحران طولانی‌تر شود احتمال وقوع آن کمتر می‌شود. البته در این میان نباید نقش نیروهای امنیتی وابسته به شیخ تمیم و همچنین نیروهای نظامی ترکیه‌ای مستقر در قطر را در جلوگیری از این واقعه دست کم گرفت.

■ تلاش بیشتر طرفین برای دستیابی به توافق است، این احتمال از آنجایی قوت می‌گیرد که از یک سو دولت کویت و برخی از کشورهای اروپایی و آمریکایی تلاش‌های زیادی را در این جهت انجام داده‌اند. برای مثال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

✓ سفر رکس تیلرسون به منطقه غرب آسیا و دیدار با مقامات قطری، کویتی، ترکیه‌ای و سعودی و امضای تفاهم‌نامه مبارزه با تروریسم با قطر.

✓ تلاش کویت برای برگزاری اجلاسی برای حل بحران قطر با شرکت سران ده کشور عربی و غربی همچون کویت، عربستان سعودی، قطر، امارات متحده عربی، بحرین، عمان، ایالات متحده آمریکا، ترکیه، مصر و بریتانیا.

پیامدهای امنیتی بحران قطر



بحران قطر از منظر امنیتی بسیار حائز اهمیت است؛ بگونه‌ای که در صورت تداوم و تشدید این بحران، صورت بندی جدیدی از نظم امنیتی در ژئوپلیتیک خاورمیانه شکل خواهد گرفت. کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، بحرین، مصر، که بعدها برخی دیگر از کشورهای همسایه نیز به آنها پیوستند، در یک اقدام هماهنگ همه مناسبات خود را با قطر بطور کامل قطع کردند.

اگرچه حوادثی مشابه پیشتر در سال ۲۰۱۴ رخ داده که طی آن عربستان، بحرین و امارات متحده عربی سفیران خود را از دوحه فراخواندند، اما این بار تنش بین طرفین به مرحله بحرانی رسیده است. اکنون قطر متهم به برهم زدن ثبات منطقه‌ای، حمایت از جریانات تروریستی و اشاعه ایدئولوژی خشونت‌گرایانه و تروریستی در منطقه و جهان شده است. بحران اخیر از این قابلیت برخوردار است تا از طوق مختلف نظم امنیتی منطقه را دستخوش دگردیسی کند. در همین راستا، بسیاری از ناظران داخلی و خارجی بر این اعتقادند که یکی از اهداف عربستان از برگزاری کنفرانس «اسلامی - آمریکایی» در ریاض با حضور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا، زمینه‌سازی برای ایجاد «اتوی عربی» بود. گفته می‌شود در نشست ریاض گفت‌وگوهای اولیه بر سر ایجاد یک پیمان نظامی از نوع ناتو بین دولت ترامپ و مسئولان نظامی و امنیتی عربستان و امارات متحده صورت گرفته است. هدف از این ائتلاف ایجاد همبستگی

بین کشورهای عربی و سنی مذهب در برابر ایران و جلوگیری از نفوذ آن در منطقه اعلام شده است. بر اساس این طرح، عملاً وظیفه اصلی مقابله با «دشمن مشترک» به بازیگران محلی و متحدان منطقه‌ای آمریکا واگذار می‌شود. اما به نظر می‌رسد تنش بین قطر و دیگر کشورهای عربی پروژه ناتوی عربی را در نطفه خفه کرده است. همچنین با تداوم تنش‌ها شاهد ایجاد گسل عمیقی در ائتلاف شورای همکاری خلیج فارس نیز خواهیم بود. این پیمان امنیتی که در سال ۱۹۸۱ با هدف مقابله با به اصطلاح تهدیدات ایران و با حمایت آمریکا تاسیس گردید نیازمند همکاری و هماهنگی نزدیک همه شیخ نشین‌های جنوبی منطقه خلیج فارس است. اما بحران کنونی در منطقه موجب انفکاک و دودستگی بین اعضای عضو شورا شده و ماهیت و موجودیت این نهاد نظامی را با چالش جدی مواجه ساخته است. علاوه بر این، همسویی آمریکا با اعراب در منزوی کردن و تحریم قطر می‌تواند شرایطی را فراهم سازد تا برخی از کشورهای عربی تنش‌های منطقه‌ای را تشدید نمایند. بطور مثال، اگر چه امارات متحده عربی با برقراری ارتباط نزدیکتر با آمریکا در کوتاه مدت بدنبال «مهار سیاست تکروی» قطر می‌باشد، اما در بلندمدت با منتقل کردن پایگاه نظامی آمریکا از قطر به خاک خود بدنبال کسب مزایای استراتژیک در منطقه است. تحت شرایط فعلی اگر امارات و عربستان موفق به عقب‌راندن و تسلیم قطر شوند، با توجه به پیشینه سیاست‌های ضد ایرانی دو کشور، می‌توان سایش‌های جدی امنیتی را بین کشورهای رقیب منطقه‌ای در آینده متصور بود. بحران اخیر همچنین زمینه حضور نظامی بیشتر ترکیه را در منطقه خلیج فارس فراهم ساخته است. ترکیه که از یک سو ناامید به بازسازی همکاری راهبردی با آمریکا در سوریه است و از سوی دیگر در چارچوب سیاست نوعثمانی گری بدنبال احیای نقش گذشته خود در منطقه است، ضمن حمایت از قطر به عنوان متحد خود اعلام نموده است که نیروی نظامی به آن کشور اعزام خواهد کرد. بر اساس قانونی که به تصویب مجلس رسید و اردوغان برای اجرا ابلاغ کرد، ارتش ترکیه می‌تواند تا ۵ هزار نیرو را در قطر مستقر کند. افزایش حضور نظامی ترکیه در منطقه خلیج فارس موجب تشدید نظامی‌گری شده و مناسبات قدرت را در منطقه تغییر خواهد داد. علاوه بر موارد فوق، در صورت عدم مصالحه کشورهای عربی با قطر و استمرار یا تشدید بحران این امکان وجود دارد که دوحه در راستای تقابل با عربستان و متحدین آن یک جنگ نیابتی را در منطقه علیه آن کشور آغاز کند. یا این که رقابت‌های ژئوپلیتیکی کنونی بین دو کشور را تشدید کند که این موضوع خود نهایتاً به تقویت نظم آنارشیک موجود کمک خواهد کرد.

بطور کلی باید بر این نکته اذعان داشت در صورت عدم یافتن سازوکاری جهت حل بحران این موضوع محتمل است که نظم امنیتی منطقه تغییر پیدا کرده و منطقه وارد مرحله تازه‌ای از تنش‌ها و منازعات گردد. در همین ارتباط به نظر می‌رسد سفر ترامپ به ریاض و حمایت همه جانبه وی از منویات عربستان بستر لازم را برای تنش‌های جدید در منطقه فراهم کرده باشد. نکته حائز اهمیت آن است که یکی از مهم‌ترین کانون‌های محوری تنش‌های اخیر مقابله با قدرت و نفوذ فزاینده ایران در منطقه است. به همین دلیل اتخاذ یک دیپلماسی هوشمندانه و غیر احساسی بسیار ضرورت می‌یابد. همزمان نیز مرتفع ساختن نیازهای ضروری قطر نظیر مواد غذایی، دارو و آب آشامیدنی می‌تواند منجر به تقویت قدرت نرم ایران شده و متعاقباً فرصت‌های مناسبی را برای کشور در راستای تامین امنیت ملی فراهم سازد.

صف بندی و جبهه بندی های احتمالی میان کشورهای عربی

در حالیکه کشورهای امارات متحده عربی و بحرین بعنوان متحد عربستان عمل می‌کنند، کشورهای قطر، مصر و پادشاهی عمان و تا اندازه‌ای کویت تلاش دارند سیاست‌های مستقلی را نسبت به عربستان اتخاذ کنند و هر از گاهی این امر در مواضع سران این کشورها کاملاً روشن است. قطر تلاش دارد رویکرد مستقلی از عربستان در پیش بگیرد و نقش منطقه‌ای فعالی داشته باشد و این سیاست‌ها را از طریق شبکه الجزیره که بازوان رسانه‌ای این کشور است، در منطقه پیاده می‌کند. نگاهی به اقدامات این کشور در تحولات منطقه از جمله در لبنان، یمن، فلسطین و مصر و حتی در پرونده سوریه نشان از این دارد که این کشور کوچک در صدد تحکیم جایگاه منطقه‌ای خود مستقل از عربستان

است و همین امر نگرانی مقامات سعودی را برانگیخته است. در این میان ترکیه به دو دلیل از تقویت نقش منطقه ای قطر نسبت به عربستان استقبال میکند: **فخست** اینکه روی منابع گازی قطر به عنوان جایگزین گاز روسیه و ایران حساب ویژه ای باز کرده است. **دوم** اینکه با توجه به اینکه رهبری عربستان سعودی بر مبنای اسلام سنی در تعارض با آرمان امپراطوری عثمانی ترکها قرار دارد ترکیه از انزوای سیاسی و ضعف جایگاه منطقه ای عربستان استقبال میکند. به عبارت دیگر ترکیه تلاش دارد با استفاده از بلند پروازی های قطر مهمترین رقیب سنی خود را در منطقه از میان بردارد. بر همین اساس ترکیه در کنار روابط سیاسی توسعه روابط نظامی و اقتصادی را با قطر در اولویت قرار داده است. در این میان سطح فزاینده رفت و آمدهای ترکی - قطری و به ویژه اظهارات اخیر سفیر ترکیه در قطر مبنی بر تهدیدات مشترک و ضرورت بازتشکیل ائتلاف جدید بین ترکیه و قطر در کنار تاسیس پایگاه های مشترک نظامی چند منظوره در دو کشور عربستان را نشانه گرفته است. همزمان با تشدید جنگ رسانه ای و روانی عربستان علیه قطر، وزارت خارجه روسیه نیز اعلام کرد که وزیر خارجه قطر برای بحث و تبادل نظر با همتای روسی خود به مسکو می رود. بنابراین با توجه به مجموعه عوامل یاد شده به نظر میرسد، اختلافات قطر و عربستان ریشه در گذشته و متأثر از رویکرد کنونی این دو همسایه دارد و تبعات این اختلافات آینده روابط آنها را تحت تاثیر قرار خواهد داد. با توجه به عوامل یاد شده اختلافات قطر و عربستان ریشه تاریخی و متأثر از رویکرد کنونی این دو کشور دارد و پیامدهای این اختلافات ممکن است آینده مناسبات آنها را تحت تاثیر قرار دهد. قطر تلاش دارد با تشکیل ائتلاف های جدید در منطقه نقش خود را بازتعریف کند. روابط حسنه این کشور با ترکیه و نیز مناسبات آن با روسیه و تلاش این کشور در نزدیکی به ایران را می توان در این راستا ارزیابی کرد واز این رهگذر می توان احتمال نزدیکی کشورهای قطر، عمان، کویت، ایران، ترکیه و روسیه را به ذهن متبادر ساخت.

سیاست متناقض آمریکا در قبال بحران



نکته اساسی در قبال موضع آمریکا در قبال بحران این است که همه کشورهای طرف بحران روابط محکمی با آمریکا دارند و انتظار می رفت واشنگتن برای حل این بحران قبل از علنی شدن آن از طریق کانال های دیپلماتیک تلاش کند. البته بعید به نظر می رسد این کشورها مواضع علیه قطر را یک شبه و بدون اطلاع واشنگتن اتخاذ کرده باشند. این بحران بار دیگر

دوگانگی و تناقض مواضع ارکان دولت ترامپ را به خصوص بین کاخ سفید و نهاد هایی مثل وزارت دفاع و خارجه آشکار کرد. از جمله این که بعد از اعلام تحریم قطر از سوی چهار کشور تحریم کننده آن، ترامپ این اقدام را تایید کرد و در یادداشت هایش در توئیتر نوشت: در جریان سفرم به ریاض بر ضرورت توقف حمایت ها از ایدئولوژی افراطی تاکید کردم و این درحالی بود که رهبران کشورها به قطر اشاره می کردند. وی افزود: این خوب است که شاهد نتیجه و ثمره سفرم به عربستان و دیدار با پادشاه این کشور و سران ۵۰ کشور دیگر باشم. ترامپ اضافه کرد: آنها گفتند رویکرد های سختی علیه حمایت و پشتیبانی از تروریسم خواهند گرفت و همه نشانه ها به سمت قطر اشاره داشت و شاید این آغازی برای پایان دادن به تروریسم باشد. البته رکس تیلرسون وزیر امور خارجه آمریکا برعکس ترامپ که از همان ابتدا در کنار عربستان و امارات ایستاد، با موضعی تقریباً مخالف موضع ترامپ از اقدامات عربستان و امارات انتقاد کرد و از سعودی ها خواست محاصره علیه قطر را کاهش دهند. وی گفت که این تحریم ها مانع از عملیات جنگ با (تروریست) ها می شود و باعث کمبود مواد غذایی در قطر خواهد شد. چند ساعت بعد دونالد ترامپ در یک کنفرانس مطبوعاتی در کاخ سفید برخلاف سخنان تیلرسون گفت که قطر حامی تروریسم است و باید از این اقدام دست بردارد. در همین حال وزارت خارجه آمریکا برای کاهش بحران با رهبران منطقه تماس گرفت و خواستار میانجی گری کویت به منظور ایجاد فرصت برای حل بحران شد. تیلرسون اخیراً با سفر به منطقه خاورمیانه تلاش کرد بحران سعودی - قطر را حل و فصل کند اما بدون دستیابی به نتیجه منطقه را ترک کرد و تنها توافقنامه ای را با قطر در خصوص مبارزه با تروریسم و تامین مالی آنها به امضا رساند. وزارت دفاع آمریکا خود را از این بحران

دورنگه داشت و بر اهمیت روابط با قطر تاکید کرده و گفته است واشنگتن از کمک هایی که دوحه برای حضور نظامی آمریکا در این منطقه انجام داده است، تشکر می کند. سخنگوی مرکز فرماندهی آمریکا هم در بیانیه ای گفت: از همه شریکانمان در منطقه می خواهیم برای رسیدن به راه حل مشترکی برای ثبات منطقه تلاش کنند... در کل می توان گفت واشنگتن برای حل بحران سعودی - قطر با شکست مواجه شده است و پافشاری هریک از طرف ها بر مواضع شان حاکی از آن است که یا واشنگتن در پایان دادن به این بحران جدی نیست و یا جایگاه این کشور در منطقه و حتی بین دوستان قدیمی اش از بین رفته است.

لازم به اشاره است که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا از همان دوران تبلیغات انتخاباتی وعده بهبود اوضاع اقتصادی را به مردم آمریکا داد. یکی از روش ها و ابزارهای ترامپ برای این منظور امضای قراردادهای بزرگ تسلیحاتی و اقتصادی با کشورهای عربی است. در واقع دیکتاتورها و پادشاهان عربی که تمام مشروعیت خود را وابسته به سلاح ها و حمایت های آمریکا می دانند، قفل خزانه های نفتی خود را در برابر ترامپ باز کرده اند و رئیس جمهور تاجر مسلک آمریکا نیز با حرص و ولع خاصی به دنبال جارو کردن این دلارها است. به همین دلیل دونالد ترامپ در اولین سفر خارجی خود از زمان آغاز ریاست جمهوری وارد عربستان شد و مورد استقبال رسمی «ملک سلمان بن عبدالعزیز» قرار گرفت. وی در دیدار با ملک سلمان «بزرگ ترین قرارداد تسلیحاتی جهان» را با عربستان امضا کرد. ارزش این قرارداد که تاکنون در سطح قراردادهای تسلیحاتی جهان نمونه نداشته است، ۱۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است. عادل الجبیر ارزش کل توافقی های امضا شده میان دو کشور را حدود ۵۰۰ میلیارد دلار ارزیابی کرد. بر این اساس آمریکا از اختلافات عربی بهره می برد تا به این کشورها بیشتر تسلیحات بفروشد.

مواضع و سیاست ایران در قبال بحران

قطع روابط چند دولت عربی با دوحه بر سر آنچه حمایت از ایران و گروه های تروریستی خوانده می شود، که پیش تر نیز در سال ۲۰۱۴ اتفاق افتاده بود، نقطه عطفی در روند تحولات شتابان منطقه و عمیق ترین شکاف در ائتلاف و همراهی مهم ترین کشورهای جهان عرب طی سال های اخیر برای منزوی کردن تهران در منطقه است. به زعم تحلیلگران و کارشناسان ایرانی غربی و عربی، این شکاف که اختلافات گسترده دولت های عربی در ارتباطات درون عربی و برون عربی به خصوص با ایران و ترکیه را به سطح آورده است، در ارتباط با بحران آفرینی مثلث واشنگتن، ریاض و تل آویو برای منطقه است که کاملاً با نقش و حضور ایران، ارتباط و پیوند معنادار دارد. در تبیین فرصت های این مساله برای ایران در مقطع کنونی باید به موارد زیر اشاره کرد:

مهم ترین فرصت ایران از معجای پرننگ تر شدن اختلافات عربستان با قطر و دولت های عربی، ایجاد شکاف و گسست در ائتلاف عربی ضد تروریسم است که در سفر رئیس جمهوری آمریکا به ریاض، برای فشار بر تهران در دستور کار قرار گرفت. اهمیت اختلافات قطر با عربستان که می تواند منجر به تردید در ذهنیت دیگر دولت های شرکت کننده در این ائتلاف شود، زمانی دوچندان می شود که درک کنیم نقش قطر برای موفقیت ائتلاف تحت رهبری عربستان حائز اهمیت است. چون قطر برخلاف بازیگران ضعیف اسلامی - عربی و آفریقایی مشارکت کننده در ائتلاف، بازیگری برخوردار از ابزارهای اقتصادی و سیاسی است که باعث شده تا گستره بازیگری این دولت ذره ای فراتر از ظرفیت و ژئوپلیتیک آن باشد.

فرصت دوم، شکست هیمنه و زعامت عربستان بر دولت های عربی است که همواره مقامات ریاض سعی در بسط آن داشته اند. ایفای نقش برادر بزرگ تر به خصوص در شورای همکاری خلیج فارس موضوعی است که در طول حیات این شورا همواره دستور کار و هدف نهایی سعودی ها بوده است. افزایش اختلافات سیاسی و دوقطبی شدن و صف بندی درون این شورا که هم اکنون به عمان و کویت نیز سرایت پیدا کرده است، نشان می دهد که عربستان حتی در درون این شورا که بیشترین قرابت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با مجموعه بازیگران آن دارد، نتوانسته است در بسط و اعمال رهبری خود موفق شود؛ بنابراین ایران می تواند از این اختلافات به خصوص

رویکرد مثبت و مسالمت‌جویانه کویت و عمان و همچنین تمایل قطر به بهبود روابط بیشترین استفاده را ببرد. به‌خصوص که قطر همواره ایران را بخشی از راه‌حل منطقه می‌دانسته و بارها بر آن تاکید کرده است.

سومین فرصت ایران از مجرای فعال شدن اختلافات درون عربی، یارگیری از بازیگران ناراضی و مخالف ماجراجویی عربستان در منطقه و در قبال تهران است. بازی برهم زننده دوحه این فرصت را برای ایران به وجود می‌آورد تا با متوازن کردن مواضع آنها با ایران به‌خصوص در حمایت از گفت‌وگو، مذاکره و پرهیز از ماجراجویی، بتواند نظر مساعد دیگر دولت‌های شرکت‌کننده در ائتلاف را نیز متوجه خود کند. هم اینک، عمان، کویت، پاکستان، ترکیه، لبنان و عراق هشدار داده‌اند که مبدا این ائتلاف داعیه‌های فرقه‌گرایانه و ضد ایرانی داشته باشد که اگر چنین باشد راه خود را از ریاض جدا خواهند کرد.

باید بر این موضوع تاکید داشت که جدا از مسائل سیاسی، امنیتی و نظامی که در موضوع پرننگ شدن اختلافات قطر با عربستان و دولت‌های عربی ایفای نقش می‌کند، باید به منافع اقتصادی سرشاری که در کوتاه‌مدت می‌تواند عاید ایران شود نیز اشاره کرد. نزدیک به ۹۰ درصد منابع غذایی قطر از مرز این کشور با عربستان می‌گذرد که اکنون متوقف شده است. ایران می‌تواند جایگزینی مناسب در این زمینه ارائه دهد. در همین خصوص رئیس اتحادیه صادرکنندگان محصولات کشاورزی ایران گفته است که آمادگی داریم انواع محصولات کشاورزی و غذایی را از طریق راه آبی و ۳۳ بندر ایران به قطر صادر کنیم. همچنین بسته شدن مسیر هوایی دوحه به جنوب، شرق و غرب این کشور، حریم هوایی ایران را به مثابه مهم‌ترین جایگزین مطرح می‌کند. قطر سالانه ۱۶۵۵ هزار پرواز به بیش از ۱۵۰ مقصد در دنیا دارد. اکنون تنها راه پرواز هواپیماهای این کشور از فراز آسمان ایران خواهد بود. از سوی دیگر، اخراج شهروندان قطری از عربستان و بحرین، فرصتی برای تهران است که به مثابه جایگزینی برای این شهروندان قطری باشد. اغلب این شهروندان توریست هستند و افزون بر گردش برای شکار به صحراهای سعودی سفر می‌کنند. همچنین به دلیل اینکه قطر، ایران و روسیه بیشترین ذخایر گاز جهان را در اختیار دارند و نوعی همکاری میان آنها متصور است، این وضعیت می‌تواند در یک فرآیند میان‌مدت در دستور کار سه کشور برای شکل دهی به یک اجماع گازی نیز منجر شود. فارغ از فرصت‌های ذکر شده که می‌تواند در راستای تقویت نقش منطقه‌ای ایران به‌خصوص حمایت از فرآیند همکاری و مذاکره باشد، باید به تهدیدات احتمالی این بحران برای ایران به‌دنبال دارد نیز در دو مورد زیر اشاره کرد:

مهم‌ترین دلیلی که باعث شده تا دولت‌های عربی به سمت قطع ارتباط با دوحه پیش روند، ظاهراً «حمایت آن از تروریسم» عنوان شده است. بنابراین حمایت ایران از دوحه باعث خواهد شد تا ایران متهم به حمایت از یک کشور حامی تروریسم شود، موضوعی که آمریکا، عربستان و اسرائیل به جد به‌دنبال آن هستند؛ بنابراین انداختن طعمه چرب و شیرینی چون قطر به دامن ایران همان بهانه قطعی مورد نیاز است که کمک می‌کند مثلث واشنگتن-ریاض-تل‌آویو اثبات کند، تهران حامی تروریسم است. دومین تهدیدی که از مجرای این بحران معطوف به نقش منطقه‌ای ایران است، تقویت اتحاد و ائتلاف عربی به رهبری عربستان با چراغ سبز آمریکا است که بنا دارد با تقویت نقش بازیگران عمده و یارگیری از بازیگران تابع، بر نقش تهران متمرکز شود. بحرانی شدن یا بحرانی کردن اوضاع در منطقه می‌تواند آغاز این سناریو باشد. به این معنی که مقامات آمریکا تلاش دارند تا با گسترش ناتو به سوی خلیج فارس، ترکیه و اسرائیل را به محور عربستان متصل کرده و روند عادی‌سازی روابط را به دلیل خطر ایران، صورت دهند.

حال با این وضعیت، پرسش مهم این است که ایران باید چه راهبرد مناسب و منطقی‌ای را برای مواجهه با این سناریوی در حال شکل‌گیری صورت دهد؟ برخی تحلیلگران معتقدند ظرفیت‌هایی که از مجرای چنین بحرانی می‌تواند نصیب ایران شود، به حمایت مستقیم و تمام‌قد از قطر در برابر عربستان برمی‌گردد. در همین خصوص "**حسن احمدیان**" استاد دانشگاه تهران و تحلیلگر ارشد مسائل خاورمیانه معتقد است که الگوی قطع کردن روابط با هدف تغییر رفتار که به الگوی محبوب ریاض در برابر کشورهای مخالف سیاست‌هایش در منطقه تبدیل شده است، الگویی خطرناک برای سیاست منطقه‌ای ایران است و به همین دلیل تهران باید از تمامی ابزارهای خود برای بی‌اثر

کردن آن استفاده کند. احمدیان معتقد است که هدف اعلامی ریاض به هنگام قطع کردن روابطش با ایران، تعدیل رفتار منطقه‌ای ایران بود و در مقطع کنونی ایران باید با حمایت سیاسی و لجستیک گسترده از قطر، آن را از عقبگرد دوم که الگوی رفتاری ریاض را نهادینه تر خواهد کرد، دور کند. در مقابل اما طیف وسیعی از کارشناسان و تحلیلگران مسائل منطقه معتقد به اتخاذ بی طرفی فعال هستند. تویتر محمدجواد ظریف مبنی بر مذاکره به ویژه در ماه رمضان به عنوان راه حل اصلی و پرهیز از اجبار و زور، نشان می دهد که رویکرد دستگاه دیپلماسی ایران مبتنی بر این راهبرد است. از سوی دیگر «قاسم مجبلی» مدیر کل پیشین وزارت خارجه ایران معتقد است که ورود ایران به بحران قطر و عربستان عقلانی نیست؛ چراکه این مداخله، باعث حل و فصل مسائل بین این دو می شود.

«نصرت الله تاجیک» سفير اسبق ایران در اردن نیز معتقد است که اگر در بحران اعراب خلیج فارس وارد میدان شویم، معادلات پیچیده می شود، بنابراین نباید در کنار قطر بایستیم. از این رو باید گفت اتخاذ بی طرفی فعال، راهبردی است که ضمن پرهیز از ورود مستقیم به درگیری و بحران که می تواند تهدیدات جدی بر نقش ایران به خصوص در حیاط خلوت عربستان داشته باشد، اما همزمان می تواند فرصت های ناشی از این بحران و شکاف را از مجرای یک دیپلماسی فعال و متوازن، نصیب ایران کند. به خصوص که تجربه موفق این نوع دیپلماسی در اشغال افغانستان و عراق تجربه و نمایانگر شده است.

تحلیل و فرجام

بحران کنونی در روابط کشورهای عربی نشان دهنده اختلافات درونی بین آنها به خصوص در محور قطر و ترکیه با محور عربستان و امارات متحده عربی است. به واقع علت اصلی این بحران زیاده خواهی مقامات سعودی و جدال بین وهابی گری مورد حمایت عربستان و امارات با اخوانی گری مورد حمایت قطر و ترکیه است. بنابراین دعوی اصلی بر سر نوع نظم منطقه ای دلخواه عربستان و امارات یعنی نظم وهابی با نظم اخوانی مورد حمایت ترکیه و امارات است. این رقابت را می توان به خوبی در سوریه و همچنین مصر مشاهده کرد. در سوریه قطر و ترکیه عموماً از جریانهای اخوانی حمایت می کنند، در مقابل عربستان در کل منطقه مخالف قدرت گیری اخوانی ها است. در مصر نیز سقوط مرسى که از اخوان المسلمین بود به شدت قطر و ترکیه را ناراحت نمود، اما عربستان اولین کشوری بود که کودتای نظامیان را پذیرفت و بلافاصله حمایت گسترده ای از آنها نمود.

از زاویه ای دیگر اختلاف بین قطر و محور عربستان، ناشی از تمامیت خواهی عربستان سعودی است. بر این اساس مقامات سعودی انتظار دارند کشورهای عربی به خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس در سیاست خارجی هیچ گونه استقلال نداشته باشند و دقیقاً از سیاست عربستان در قبل منطقه پیروی کنند. آنها انتظار دارند کشورهای حاشیه خلیج فارس از سیاست عربستان در کل خاورمیانه و به خصوص در بحران سوریه و یمن حمایت کنند. در مقابل کشورهای چونی قطر و تا اندازه ای عمان این زیاده خواهی رو قبول ندارند و به عنوان یک کشور مستقل به دنبال سیاست خارجی مستقل خود هستند.

در چنین چارچوبی می توان انتظار داشت اختلافات قطر با محور عربستان همچنان ادامه پیدا کند، چرا که حمایت از اخوانی ها جزو خطوط قرمز رهبران قطر محسوب می شود. با این حال این بدان معنا نیست که دو کشور نتوانند روابط خود را تا اندازه ای بهبود بخشند. بر این اساس پیش بینی می شود در آینده روابط قطر با محور عربستان بهبود یابد، در عین حالی که اختلافات در منطقه همچنان در سطوح مختلف تداوم پیدا کند.

منتظر ارایه نظرات و پیشنهادات تکمیلی شما نخبگان و کارشناسان گرامی فوایدیم بود.

(صدفانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی)